



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

شفااعت

ورفع یک شبیهه

علی کریمی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شفاعت و رفع یک شبهه

نویسنده:

علی کرمی

ناشر چاپی:

فرهنگ جهاد

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	شفاعت و رفع یک شبهه
۶	مشخصات کتاب
۶	اشاره
۶	واژه شفاعت
۶	گروه‌های متنوع آیات در مورد شفاعت
۷	اشاره
۷	نفی تفسیر تحریف شده و تخدیری از شفاعت
۷	شفاعت ویژه خداست
۷	شفاعت در گرو اجازه خداست
۷	ویژگیهای شفاعت کنندگان
۸	تحریم شفاعت در مورد برخی از گناهان
۸	شرایط برخورداری از شفاعت
۱۰	شرایط و ویژگیهای مسئولیت ساز
۱۱	دو تفسیر از موضوع شفاعت
۱۱	اشاره
۱۲	شفاعت در فرهنگ عوام
۱۲	شفاعت در فرهنگ قرآن
۱۳	مهم ترین اثر معجزه‌آسای شفاعت
۱۳	آخرین نکته
۱۴	پاورقی
۱۶	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

شفاعت و رفع یک شبهه

مشخصات کتاب

شماره کتابشناسی ملی: ایران ۸۳-۲۴۷۹۵

سرشناسه: کرمی، علی

عنوان و نام پدیدآور: شفاعت و رفع یک شبهه/ کرمی، علی

منشأ مقاله: فرهنگ جهاد، ش ۳۳، ۳۴، (پاییز و زمستان ۱۳۸۲): ص ۲۲۱ - ۲۴۱.

توصیفگر: شفاعت

توصیفگر: قرآن

توصیفگر: احادیث

توصیفگر: آنیمیسیم

اشاره

این نوشتار در پاسخ به پرسش یکی از دانشجویان، به رشته تحریر درآمده است. از آنجا که چنین پرسشی ممکن است برای بسیاری دیگر نیز پیش آید، اصل پرسش و پاسخ جامع و کامل آن را فراروی شما خوانندگان ارجمند قرار می‌دهیم. بدان امید که برای این دانشجوی جستجوگر و دیگر دانشجویان، پژوهشگران و صاحبان فکر و اندیشه، خواندنی باشد. آیا باور شفاعت پیشوایان معصوم، نوعی «آنیمیسیم» [۱] یا پرستش ارواح نیست؟ پاسخ: این پرسش نشانگر آن است که ما، هم باید موضوع شفاعت به مفهوم درست و سازنده آن را از دیدگاه قرآن و روایات مورد ارزیابی و پژوهش قرار دهیم و هم شخصیت حقیقی و قدرت معنوی و اختیارات پیشوایان معصوم را، و هم مفهوم درست حاجت خواستن از بارگاه خدا به وسیله آن بندگان شایسته و ادب آموخته را. [۲] چرا که برداشت نادرست، تحریف شده، تخدیری و عوامانه از این مفاهیم سازنده و امیدآفرین چنین داوری‌ای را در پی خواهد داشت؛ از این رو به نظر می‌رسد برای رسیدن به پاسخ روشن و قانع‌کننده به این پرسش، ناگزیر از طرح چند نکته باشیم:

واژه شفاعت

واژه «شفاعت» در فرهنگ واژه‌شناسان از ریشه «شَفَع» به مفهوم «جفت» آمده است، که در برابر آن، واژه «وَتَر»، به معنی تک و تنها قرار دارد. آن گاه به تدریج به مفهوم پیوستن ناتوان به توانا، ضعیف به نیرومند، و فردی به فردی دیگر به کار رفته است، که از نظر معنویت و کمال در اوج رشد و شکوفایی قرار دارد و می‌تواند در حساس‌ترین شرایط، یار و یاور دلسوز او گردد، و ضمن دفع خطرهای و برطرف ساختن مشکلات در فراز و نشیب زندگی از سر راه او، وی را در راه نجات و رستگاری و رساندن به سر منزل سلامت و سعادت، راه نماید. واژه‌شناس نامدار، «راغب اصفهانی» در تفسیر گرانسنگ خویش در این مورد می‌نویسد: «الشَّفَعُ ضَمُّ الشَّيْءِ إِلَى مِثْلِهِ». [۳]. واژه «شَفَع»، به مفهوم پیوستن و نیز پیوند دادن پدیده و انسانی به همانند خویش، آمده است. سپس نتیجه می‌گیرد که کاربرد واژه «شفاعت» بیشتر در پیوستن فردی که از نظر مقام و موقعیت، در درجه پایین و لرزان است، به کسی که از نظر مقام و معنویت، برتر و بالاتر است و می‌تواند او را شفاعت کند، به کار رفته است، و شفاعت در قیامت از این جمله است.

گروه‌های متنوع آیات در مورد شفاعت

اشاره

شفاعت، یک موضوع قرآنی و روایی است. در قرآن شریف، افزون بر بحثهای گذرا و بدون به کارگیری واژه شفاعت و مشتقات آن، در حدود ۳۰ مورد عنوان «شفاعت»، به کار رفته است. آیات بیانگر این موضوع و شرایط و ویژگیها و قیود متعدد آن، به گروههای متنوعی قابل تقسیم و پژوهش است، و در نتیجه برطرف کننده شبهه‌هایی که در مورد شفاعت ممکن است در اذهان جستجوگر پدید آید.

نفی تفسیر تحریف شده و تخدیری از شفاعت

گروه نخست، آیاتی است که شفاعت، به مفهوم تحریف شده و تخدیری و ابزاری آن را، به صورت مطلق نفی می‌کند؛ نظیر این آیه: «وَأَتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ» [۴]. «و از روزی پروا کنید که نه هیچ کس، چیزی از کیفر گناهان را از کسی برطرف می‌سازد، نه شفاعتی از او پذیرفته می‌شود، نه از او بدل و جایگزینی می‌گیرند، و نه از جایی یاری خواهد شد.» گفتنی است که در این گروه از آیات، بی‌راهه‌های پنداری ظالمان و نظریه پردازان فریبکار آنان، برای رهایی جنایتکاران و خودکامگان از کیفر بیداد و حق‌کشی یا شفاعت به مفهوم تخدیری آن، به صراحت نفی می‌گردد، تا بدین وسیله نشان دهد که جز از راه حق‌گرایی و حق‌پذیری و ایمان و راستی و انجام کارهای شایسته و آراستگی به منش و روش انسانی و اخلاقی، و توبه و اصلاح و جبران، راهی برای نجات و درخور شفاعت شدن، نیست؛ چرا که فلسفه شفاعت، زدودن بلای یأس از رحمت خدا و سوزاندن روحیه نومیدی از امکان نجات، پس از پیش آمدن لغزش، آن گاه امید بخشیدن و همت دادن و برانگیختن به خودسازی و جبران و اصلاح است؛ نه چراغ سبز نشان دادن به تخریب و تباهی خود و دیگران و یا ادامه گناه و ستم و تباهی.

شفاعت ویژه خداست

گروه دوم، آیاتی است که شفاعت را تنها ویژه ذات بی‌همتای خدا عنوان می‌سازد و تنها او را به عنوان شفاعت کننده، معرفی می‌کند و بس؛ نظیر این آیه: «أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ شُفَعَاءَ قُلُوبًا أُولَئِكَ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ لَهَا كَلِمَةٌ وَلَا يَسْمَعُونَ» [۵]. «آیا غیر از خدا شفاعت کنندگانی برای خود برگرفته‌اند؟! بگو: آیا گرچه آنها اختیار چیزی را نداشته باشند و چیزی را به خرد درنیابند، باز هم آنها را شفاعت‌گر خویش می‌پندارید؟! هان ای پیامبر، بگو! شفاعت، یکسره از آن خداست؛ فرمانروایی آسمانها و زمین، تنها از آن اوست، و سرانجام تنها به سوی او بازگردانده خواهید شد.» و همچون این آیه: «... مَا لَكُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا شَفِيعٍ أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ» [۶]. «برای شما، جز او هیچ سررشته‌دار و شفاعت‌گری نیست؛ آیا باز هم به خود نمی‌آید و پند نمی‌گیرید؟»

شفاعت در گرو اجازه خداست

گروه سوم، آیاتی است که شفاعت دیگران را، تنها به اذن و اجازه خدا و فرمان او مشروط می‌سازد؛ نظیر این آیه: «وَلَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ عِنْدَهُ إِلَّا لِمَنْ أَذِنَ لَهُ...» [۷]. «و شفاعت نمودن در پیشگاه او، سود نمی‌بخشد، مگر برای آن کسی که به وی اجازه دهد.» و همچون این آیه: «مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ...» [۸]. «چه کسی است که جز به اذن و فرمان خدا، در پیشگاه او شفاعت کند؟!»

ویژگیهای شفاعت کنندگان

گروه چهارم، آیاتی است که ویژگیهای شفاعت کنندگان را بیان می‌کند؛ نظیر این آیه که گواهی آگاهانه و خالصانه به حق را از آن جمله می‌شمارد: «وَلَا يَمْلِكُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنْ شَهِدَ بِالْحَقِّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ» [۹]. «و آنهايي که شرک گرايان جز ذات پاک و بی‌همتای او، می‌خوانند و می‌پرستند، مالک شفاعت نیستند، مگر آن کسانی که به حق گواهی داده‌اند و خود می‌دانند.» و همچون این آیه: «... وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ ارْتَضَى وَهُمْ مِنْ خَشِيَّتِهِ مُشْفِقُونَ» [۱۰]. «... و آنان، جز برای کسی که ذات پاک خدا رضایت دهد، شفاعت نمی‌کنند؛ و خود از بیم او ترسند.» و همانند این آیه: «يَوْمَ نَخْشِرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَنِ وَفِدَاءً وَنَسْوَاقُ الْمُجْرِمِينَ إِلَى جَهَنَّمَ وَرِدًّا لَا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنْ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا» [۱۱]. «و روزی را به یاد آور که پروا پیشگان را به سوی نعمتهای خدای بخشاینده، به صورت دسته جمعی و با احترام می‌بریم. و مجرمان و تبهکاران را بسان شتر تشنه و دربند، به سوی دوزخ و آتش شعله‌ور آن می‌رانیم. آن روز هیچ کس اختیار شفاعت گری ندارد، جز آن کسی که از سوی خدای بخشاینده پیمانی گرفته است.»

تحریم شفاعت در مورد برخی از گناهان

گروه پنجم، آیاتی است که «شفاعت» را بر برخی از گناهان سهمگین و گناهکاران سیاه‌کار تحریم می‌کند؛ نظیر این آیه: «وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْأَزْفَةِ إِذِ الْقُلُوبُ لِمَدَى الْحَنَاجِرِ كَاطْمِينَ مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ حَمِيمٍ وَلَا شَفِيعٌ يُطَاعُ» [۱۲]. «و آنان را از آن روز نزدیک بترسان، آن گاه که جانها نزدیک گلوگاهها می‌رسد، در حالی که آنان از اندوه آکنده‌اند؛ آری، در آن روز سهمگین است که برای ستمکاران نه خویشاوند دل‌سوزی خواهد بود، و نه شفاعت گری که از او فرمان برده شود و به کار آید.» بدین سان قرآن هشدار می‌دهد که نمی‌توان بسان برخی ناآگاهان و یا خودفریبان و دیگر فریبان در راه زندگی، به هر حق‌کشی و خشونت و استبداد و ستمی دست یازید، و خدا و مذهب و عواطف و اعتماد مردم را به ابزار فریب تبدیل ساخت، و باز هم از خدا و پیامبر و امامان عدالت، و شفاعت آنان دم زد و بدان، امید دروغین بست.

شرایط برخورداری از شفاعت

شفاعت، به مفهوم درست آن، یک موضوع قرآنی و حدیثی است. به همین سبب است که پیروان اسلام، با الهام از قرآن بر شفاعت پیامبر گرامی اتفاق نظر دارند، [۱۳] گرچه در چگونگی آن، دیدگاهها متفاوت است. رهروان مذهب اهل بیت نیز، بر این باورند که افزون بر پیامبر گرامی، دیگر پیام‌آوران خدا، [۱۴] فرشتگان، [۱۵] و امامان معصوم نیز به اذن خدا، شفاعت می‌کنند و شفاعت آنان، هم در قلمرو افزودن پاداش شایستگان و توبه‌کاران، و هم برای نجات و رهایی از کیفر و عذاب سودمند است، اما با این شرایط: الف - این شفاعت، به اذن خدا و در قلمرو رضایت و خشنودی او باشد، و بس؛ ب - این شفاعت تنها شامل حال کسانی می‌شود که در زندگی خود، پس از لغزش و قانون‌شکنی به خود آیند و در اندیشه بازگشت به سوی خدا و مقررات او، تلاشی خستگی‌ناپذیر برای جبران خطاها و گناهان خود آغاز کنند، و نیز در اندیشه و عمل، خود را هم سنخ با شفاعت کنندگان گردانند؛ ج - این شفاعت تنها شامل حال کسانی می‌شود که لغزش‌هایشان از حق‌کشی و کشتار و دیگر گناهان جبران‌ناپذیر سر برنیارود و به گونه‌ای ویرانگر نباشد که آنان را از شفاعت محروم سازد. [۱۶]. حضرت امام صادق - علیه‌السلام - به یاران خود نوشت: «مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَنْفَعَهُ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ عِنْدَ اللَّهِ، فَلْيَطْلُبْ إِلَى اللَّهِ أَنْ يَرْضَى عَنْهُ.» [۱۷]. «هر کس شادمان می‌گردد که شفاعت شفاعت‌گران راستین، شامل حال او گردد، باید با اندیشه و منش شایسته خود، خشنودی خدا را بجوید.» «علامه طبرسی» در تفسیر گران‌سنگ خویش، به هنگام تفسیر یکی از آیات مربوط به شفاعت [۱۸] - که جنبه‌ای از شفاعت یا برداشت تخدیری و تحریف شده و ابزاری از مذهب را نفی می‌کند

- در این مورد چنین می‌نویسد: مفسران بر آنند که برخی از خودپسندان یهود، بر این پندار بودند که ما، فرزندان پیام‌آوران خدا هستیم و هرگونه بیندیشیم و رفتار کنیم، سرانجام پدرانمان ما را شفاعت خواهند کرد؛ به همین جهت، این آیه مبارکه، در مقام نفی این پندار منحط و ویرانگر آنان و ردّ شفاعت مورد نظر آنهاست. خدای تعالی بدین وسیله امید کاذب و برداشت تخدیری و ویرانگر آنان و دیگر برتری‌جویان و قانون‌گریزان را از شفاعت، مردود اعلام می‌کند، و گرنه موضوع شفاعت به مفهوم درست و اساسی آن، یک حقیقت قرآنی و روایی است، و همه پیروان اسلام بر شفاعت پیامبر گرامی اتفاق نظر دارند، گرچه در چگونگی آن، دیدگاهها متفاوت است. آن‌گاه می‌افزاید: ما بر این باوریم که پیامبر گرامی به اذن خدا، شفاعت می‌کند و شفاعت آن حضرت برای نجات و رهایی از عذاب، تردیدناپذیر است. اما این شفاعت شامل حال کسانی می‌شود که گناهانشان به گونه‌ای نباشد که آنان را از شفاعت محروم سازد. [۱۹]. برخی بر این باورند که شفاعت تنها در قلمرو افزودن پاداش شایستگان و توبه‌کاران است، نه رهایی گناهکاران؛ اما به گونه‌ای که از آیات و روایات دریافت می‌گردد، شفاعت، هم در قلمرو افزودن پاداش شایستگان و توبه‌کاران خواهد بود، و هم در قلمرو رهایی گناهکاران. وی در بخش دیگری می‌افزاید: همچنین به باور ما، شفاعت، یک اصل قرآنی و اسلامی است؛ همان‌گونه که به اذن خدا و فرمان او، یک حق تردیدناپذیر برای پیامبر است، یاران راستین و برگزیده آن حضرت - یعنی امامان نور و در درجات پایین‌تر خودساختگان و تربیت‌یافتگان راستین، یا ایمان‌داران درست‌اندیش و پرواایشه و صالحان و مصلحان حقیقی - نیز به اذن خدا از این مقام برخوردارند، و خدا به دست آنان، بسیاری را از عذاب و کیفر عملکردشان رهایی می‌بخشد، تا حکمت و حق‌شناسی خود را به نمایش نهد، و از خوبیها و خوبان، عدالت و عدالت‌پیشگان روزگاران، آزادی و آزادگی و راستی و راستگویان آن‌گونه که باید تجلیل گردد. «وَهِيَ ثَابِتَةٌ عِنْدَنَا لِلنَّبِيِّ وَ لِأَصْحَابِهِ الْمُتَنَجِّبِينَ وَ لِأَيِّمَةٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ وَ لِصَالِحِ الْمُؤْمِنِينَ وَ يَنْجِي اللَّهُ تَعَالَى بِشَفَاعَتِهِمْ كَثِيرًا مِنَ الْخَاطِئِينَ». [۲۰]. «نزد ما پیروان اهل بیت، ثابت و قطعی است که پیامبر خدا و یاران برگزیده او مانند ابوذر، سلمان، عمار، یاسر و... و امامان و پیشوایان از اهل بیت او و مؤمنان شایسته‌کردار، در نزد خدا حق شفاعت دارند، و خدا با شفاعت آن بندگان بارگاه خود، بسیاری از خطاکاران و لغزشکاران را نجات می‌دهد.» «علامه طبرسی» در بخش دیگری می‌افزاید: این دیدگاه را علاوه بر انبوهی از آیات و روایات، این حدیث - که مورد قبول همگان است - تأیید می‌کند؛ که پیامبر گرامی فرمود: «إِذْ حُرِّتْ شَفَاعَتِي لِأَهْلِ الْكِبَائِرِ مِنْ أُمَّتِي...» [۲۱]. «من شفاعت خویش را برای کسانی از امت ذخیره ساخته‌ام که در راه زندگی، ناخواسته به گناهان کبیره در غلطیده‌اند، اما پس از آگاهی و به خود آمدن، با همه وجود به جبران و اصلاح برخاسته‌اند.» نیز آن حضرت فرمود: «إِنِّي أَشْفَعُ فَأُشْفَعُ وَ يَشْفَعُ عَلَيَّ فَيُشْفَعُونَ وَ أَهْلُ بَيْتِي يَشْفَعُونَ فَيُشْفَعُونَ وَ أَنَا أَذْنِي الْمُؤْمِنِينَ لِيُشْفَعُوا فِي أَرْبَعِينَ مِنْ إِخْوَانِهِ...» «روز رستاخیز که فرارسد، من شفاعت می‌کنم و به خواست خدا و اذن او، پذیرفته می‌شود؛ و امیرمؤمنان شفاعت می‌کند و مورد قبول قرار می‌گیرد؛ سپس خاندان من به اذن خدا شفاعت می‌کنند، و شفاعت آنان نیز پذیرفته می‌شود؛ از پی آنان نوبت به ایمان‌داران و شایستگان راستین می‌رسد، که شفاعت می‌کنند و شفاعت آنان در درجه پایین‌تری پذیرفته می‌شود؛ و کمترین شفاعتی که یک انسان با ایمان می‌کند، آن است که شماری گناهکار و لغزشکار (چهل نفر) را با شرایطی، از آتش نجات می‌بخشد.» علامه می‌افزاید: نیز از این آیه شریفه - که دریغ و حسرت کافران را در روز رستاخیز از این جهت که شفاعت‌کننده‌ای ندارند، ترسیم می‌کند - می‌توان دریافت که اصل شفاعت به مفهوم سازنده آن، درست و خردمندانه و قرآنی است که می‌فرماید: «فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ وَ لَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ» [۲۲]. «پس برای ما، نه شفاعت‌کنندگانی است و نه دوستی پر مهر و دلسوز.» علامه قزوینی ضمن بحثی تحت عنوان «قرآن و موضوع شفاعت» [۲۳] می‌نویسد: «پس از ترسیم برخی از روایات درست و معتبر در شکوه معنوی فاطمه - علیها السلام - و شفاعت او - که از نظر تان گذشت - اینک با نگارنده باش و با بهت و حیرت، به برخی پندارها و بدعتها و بافته‌های بی‌اساس و فریبنده بنگر که چگونه با آیات قرآن و روایات رسیده از پیامبر - که اصل شفاعت دوستان ویژه خدا را با شرایط و قیودی مطرح می‌کند - به مخالفت برخاسته، و در افراط‌کاری خویش تا جایی پیش رفته‌اند که

شفاعت پیامبر را نیز نفی می‌کنند. این کج‌اندیشان می‌پندارند با این شیوه منحط خویش از یکتاپرستی و توحیدگرایی دفاع می‌کنند؛ چنانکه گویی اصل شفاعت - که یک اصل قرآنی و اسلامی است - با توحیدگرایی ناسازگار، و یا پذیرش آن، بسان دعوت به شرک و ارتجاع است.» وی سپس تعدادی از آیات قرآنی در موضوع شفاعت را یاد آور شده، می‌افزاید: «اینها نمونه‌هایی روشن از آیات قرآن است که به روشنی، به درستی شفاعت به اذن خدا صراحت دارد و شفاعت را برای شفاعت‌کنندگان اثبات می‌کند.» آن‌گاه می‌افزاید: «آیاتی که آمد به شفاعت نمودن دوستان خاص خدا تصریح می‌کند؛ اما آیا آنان در این جهان نیز می‌توانند شفاعت کنند یا نه؟ ساکت است. برای روشن شدن این بحث، باید به آیات دیگری نظر افکنیم که این موضوع را به روشنی بیان می‌کند و ثابت می‌نماید که آنان در این سرا نیز از جانب خدا به این مقام مفتخر شده، و به آنان حق شفاعت، دعا برای دیگران، و طلب آمرزش و بخشایش از خدا ارزانی شده است.» برای نمونه: ۱- «وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاؤُكَ فَاسْتَعْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَعْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا» [۲۴]. «و اگر هنگامی که مرتکب گناه شدند، نزد تو آمده بودند و از خدا آمرزش خواسته بودند و پیامبر برایشان آمرزش خواسته بود، به یقین خدا را توبه‌پذیر و پرمهر می‌یافتند.» این آیه، به روشنی بیانگر این حقیقت است که گناهکاران آن‌گاه که با ندامت و توبه به پیشگاه پیامبر بروند، و برای آمرزش خواهی از بارگاه خدا به او توسل جویند، و پیامبر برای آمرزش آنان اقدام کند و از خدا بخواهد، آن‌گاه است که خدا را توبه‌پذیر و پرمهر خواهند یافت و مورد بخشایش قرار خواهند گرفت. اینک سخن این است که اگر به راستی شفاعت خواهی از پیامبر، شرک‌گرایی و شریک تراشیدن برای خداست، در این صورت هرگز نمی‌باید چنین کسانی خدا را توبه‌پذیر و پرمهر ببیند؛ چرا که خدای بزرگ طبق وعده‌اش در قرآن، هر آن کس را که به او شرک ورزد هرگز مورد بخشایش قرار نخواهد داد. ۲- قرآن در ترسیم سرگذشت فرزندان یعقوب می‌فرماید: «يا اَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا اِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ» [۲۵]. «گفتند: هان ای پدر! برای گناهان ما آمرزش بخواه که ما خطاکارانیم.» و پاسخ حضرت یعقوب در این مورد تفکرانگیز است که فرمود: «سَوْفَ اَسْتَعْفِرُ لَكُمْ رَبِّي» [۲۶]. «به زودی برای شما از بارگاه پروردگارم آمرزش خواهم خواست.» این آیات بیانگر درخواست صریح فرزندان یعقوب از آن حضرت است که برای آنان طلب آمرزش کند؛ چرا که آنان خطاکارند و او نیز پاسخ می‌دهد که به زودی چنین خواهد کرد. «وَصَلِّ عَلَيْهِمْ اِنَّ صِيْلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ» [۲۷]. «و برای آنان دعا کن، چرا که دعای تو، مایه آرامش آنهاست.»

شرایط و ویژگیهای مسئولیت ساز

درست است که شفاعت یک موضوع مذهبی است و از دیدگاه قرآن و روایات، پیامبر و پیشوایان معصوم و حتی انسانهای پاک‌منش و رشد یافته، می‌توانند کسانی را در این سرا و سرای آخرت مورد شفاعت قرار دهند، اما با قیود و شرایطی سازنده و رشدبخش، نه بدون قید و شرط. به همین سبب، آیات و روایات بیانگر شفاعت، هم شرایط و ویژگیهای مترقی و مسئولیت‌سازی را در شفاعت‌کننده لازم می‌شمارند، و هم در شفاعت‌شونده، و هم در لغزشها و گناهانی که می‌توانند مورد شفاعت قرار گیرند. این شرایط و ویژگیها در محورهای سه‌گانه بالا، نشان‌دهنده نکات بسیاری است، از جمله نشانگر این حقیقت است که باور داشتن موضوع شفاعت به مفهوم درست و قرآنی آن، به این معنا نیست که اعتقاد به گره‌گشایی امامان معصوم و طلب شفاعت یا توسل به آنان، نوعی از «آنیسم» یا پرستش ارواح یا قائل شدن قدرت مطلقه و عجیب و غریب برای ارواح انسانی باشد، بلکه تنها به این مفهوم است که برخی از شایسته‌ترین و وارسته‌ترین و شکوفاترین بندگان خدا، با شرایط و ویژگیهایی مشخص و مقرر از سوی خدا، دارای قدرتی محدود و معلوم هستند، و تنها به اذن خدا و فرمان او می‌توانند کسانی را که ذات بی‌همتای او بر شفاعت شدن آنان خشنود است، شفاعت نمایند و بس. با این بیان هنگامی که ما به شفاعت و توسل، با این نگرش و این شرایط می‌نگریم، دیگر نه تنها چنین مفاهیمی، موانع رشد و اوج و توحید و اخلاص نخواهند بود، و نه تنها نوعی از «آنیسم» نیست، بلکه هر کدام نوعی از

حق‌گرایی و حق‌پذیری و جلوه‌ای از جلوه‌های خداشناسی و فرمانبرداری از یکتا آفریدگار هستی خواهد بود؛ چرا که ما شفاعت و شفاعت‌کننده و وسیله را، به دستور پدیدآورنده و تدبیرگر توانای هستی، و به اذن و شرایط مقرر از سوی او، در راه انجام فرمان او، برای رسیدن به خشنودی او جسته‌ایم و بس. از این رو اعلام می‌کنیم که به باور ما تنها خداست که خواسته‌های انسان را بر می‌آورد، بیماران را شفا و نابینایان را بهبودی و بینایی می‌بخشد، دعاها و نیایشها را می‌شنود و نه جز او؛ اما اگر ذات بی‌همتای او، نماینده و وسیله و واسطه و شفاعت‌گری نیز بر اساس حکمتها قرار داد، و گوشه‌ای از کارها را به آنها سپرد تا به قدرت و فرمان او - بسان این همه اسباب طبیعی و علل شناخته و ناشناخته - برخی کارها را انجام دهند، و به بندگان نیز فرمان داد که به سوی آنان بروند و با ایجاد هم‌رنگی و سنخیت با آنان، آنها را واسطه فیض و وسیله تقرب به بارگاه او و یا شفاعت‌گر خود قرار دهند، در این صورت دیگر این توسل و شفاعت، نه تنها نوعی آنیمیسیم نخواهد بود، که عین حق‌گرایی و از جلوه‌های خداشناسی و یکتاپرستی خالص است؛ چرا که این واسطه‌های فیض (شفاعت‌گران) با همه شکوه و عظمت خود، بسان میلیونها اسباب و علل طبیعی و فراطبیعی، برگزیده و فرمانبردار و کارگزار خدا هستند، و خود کاره‌ای نیستند تا قدرت عجیب و غریبی برای آنان قائل گردیم. افزون بر این، این وسیله‌جویی و شفاعت‌خواهی نیز در قلمرو شرایط و مقررات خداست، و نه خارج از آن؛ [۲۸] چرا که قرآن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ أَنَّ لَهُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لَيَفْتَدُوا بِهِ مِنْ عَذَابِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَا تُقْبَلُ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ. يُرِيدُونَ أَنْ يُخْرِجُوكَ مِنَ النَّارِ وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنْهَا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّقِيمٌ» [۲۹]. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! پروای خدا پیشه سازید و برای تقرب معنوی به سوی او، وسیله‌ای خداپسندانه و شایسته بجویید؛ و در راه او جهاد و فداکاری خالصانه کنید؛ باشد که رستگار گردید. بی‌تردید کسانی که کفر ورزیدند، اگر هر آنچه در زمین است از آن آنان باشد و همانندش را نیز با آن داشته باشند و بکوشند تا به وسیله آن، خویشان را از عذاب سهمگین روز رستاخیز برهانند، از آنان پذیرفته نخواهد شد، و عذابی دردناک خواهند داشت. می‌خواهند از آتش شعله‌ور و پرشراره دوزخ درآیند، در حالی که هرگز از آن بیرون آمدنی نخواهند بود، و برایشان عذابی پایدار خواهد بود.» از پیامبر - صلی الله علیه و آله وسلم - آورده‌اند که فرمود: «نَحْنُ سَفِينَةُ النَّجَاةِ، وَمَنْ حَادَّ عَنَّا هَلَكَ، فَمَنْ كَانَتْ لَهُ إِلَى اللَّهِ حَاجَةٌ فَلْيَسْأَلْ بِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ...» [۳۰]. «ما خاندان رسالت، کشتی نجات هستیم؛ هر کس به ما نزدیک شود از ننگون‌ساری دنیا و آخرت نجات خواهد یافت و هر کس از ما دوری جوید و سر ناسازگاری داشته باشد، نابود می‌گردد؛ از این رو هر کس خواسته‌ای از بارگاه خدا دارد می‌تواند به ما خاندان وحی توسل جوید و به وسیله ما بخواند.»

دو تفسیر از موضوع شفاعت

اشاره

موضوع شفاعت در گذر زمان به دو گونه بسیار متفاوت و حتی متضاد تفسیر شده است؛ تفسیر درست و سازنده و منطقی و دارای فلسفه تربیتی و اجتماعی و روانی و مؤثر برای بازگشت از لغزشها و گناهان و تفسیر تخریبی و عوامانه و زیانبار که باعث تشویق به گناه و بیداد می‌گردد، و موجب جرأت به حق‌کشی و گستاخی و قانون‌شکنی است. چنین تفسیر زیانباری از یک موضوع امیدبخش و سازنده تربیتی و انسانی، تنها محدود به موضوع شفاعت نیست، بلکه برخی از مفاهیم عقیدتی و اجتماعی مترقی و اوج‌بخش و جامعه‌پرداز، همانند: دعا و نیایش، تلاوت قرآن، زیارت، مفهوم ایمان، تقوا، اخلاق، زهد، امر به معروف و نهی از منکر، محبت و ولایت اهل بیت، انتظار، دنیا و جلوه‌های آن و... نیز در گذر زمان به این سرنوشت فاجعه‌بار گرفتار آمده و آفت تحریف معنا و محتوا و بهره‌وری ابراری از مذهب، دامنگیر آنها نیز شده است.

شفاعت در فرهنگ عوام

شفاعت در فرهنگ عوام عبارت از این است که: فردی با پشتوانه نیرومند و موقعیت مهم سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، نظامی و غیره، نزد زورمداری می‌رود و با بهره‌وری از این فاکتورها، می‌کوشد تا با نوعی معامله و باج‌دهی و باج‌گیری و با انگیزش زودگذر عواطف زورمدار، و دستکاری مغزش در مورد قانون، قانون‌شکن و مفاهیم دیگر، رأی و نظر او را در مورد جریمه و یا کیفر زیردستان و برخی شهروندان... تغییر دهد و به گونه‌ای آنان را نه تنها از خطر برهاند، که مورد لطف و عنایت او نیز قرار دهد. با این بیان موضوع شفاعت هیچ گونه اثری در ایجاد تحول مثبت در اندیشه و عملکرد فرد مجرم و قانون‌شکن ندارد، بلکه همه اثرهای مثبت یا منفی، در طرف صاحب قدرت یا آن کسی است، که نزد او به شفاعت و سفارش می‌روند. این تفسیر تخطیری و تحریف شده از شفاعت، باعث شده است که برخی به دلیل عدم پژوهش و شناخت درست مسئله، مفهوم شفاعت را با پدیده زشت و ظالمانه پارتی‌بازی و سفارش در بارگاه خودکامگان و زورمداران روزگار، برابر پنداشته و برخی دیگر آن را نوعی آنیمیسیم و پرستش ارواح بنگرند، و پاره‌ای نیز با دستاویز ساختن برخی از آیات و دیدن برخی جنبه‌ها و ابعاد آن، و غفلت از آیات و جنبه‌های دیگر، موضوع شفاعت را شرک و چندگانه‌پرستی اعلام دارند و به این جا برسند که ره‌آورد شفاعت، چیزی جز کشتن روحیه تلاش، و تشویق به گناه و قانون‌شکنی و عدم احساس مسئولیت نیست! روشن است که این اندیشه و فرهنگ نیز، ویژه جامعه‌های عقب‌افتاده و استبدادزده است، نه پیشرفته و عدالت‌خواه و جویای خردگرایی؛ چه آنکه در این تفسیر تخطیری و تحریف شده، هیچ گونه تلاش و کوشش سازنده و اصلاحی برای اثرگزاری مثبت و تحول مطلوب در اندیشه و فرهنگ و منش فرد و جامعه خواهان شفاعت و جویای نجات و رستگاری نیست، بلکه همه تلاشها برای اثرگزاری در طرف مقابل و دستکاری در اندیشه تصمیم‌ساز اوست. روشن است که با این برداشت نادرست، شفاعت هرگز نمی‌تواند فلسفه خردمندانه و ره‌آورد درستی داشته باشد. به بیان دیگر، شفاعت به این مفهوم عوامانه و تخطیری، هم می‌تواند روح تلاش و کوشش را بکشد، و هم باعث جرئت به گناه و ستم گردد، هم شرک و پرستشهای ذلت‌بار را موجب شود، و هم سیما و رنگ و بوی جامعه‌های عقب‌افتاده و استبدادزده و زورپرست و خرافه‌پذیر را به نمایش گذارد؛ چرا که اگر فرد و جامعه‌ای بر این باور باشد که می‌توان در علم بی‌کران و آگاهی خدا اثر گذاشت و آن را دگرگون ساخت، و مجهولی در مورد شفاعت شونده را برای او روشن نمود، یا می‌توان به قدرتی روی آورد که بتواند در صورت لزوم، به صورت مستقل، خشم خدا را فرو نشاند و یا مهر و رحمت او را برانگیزد، یا چنین تصور نمود که ذات بی‌همتای او، در برابر موقعیت نیرومند سیاسی و اجتماعی و نظامی و امنیتی دیگران - بسان قدرتهای گوناگون روزگار - آسیب‌پذیر است و می‌توان در تصمیم او، خلل و تزلزل ایجاد کرد و شفاعت قانون‌شکنان و زورمداران و عمل‌های نگون بخت آنان را به او قبولاند، روشن است که همه این پندارها سر از شرک و انحطاط در می‌آورد و از اصل توحیدگرایی به دور است، و هیچ رابطه و پیوندی با شفاعت و توسل و زیارت، به مفهوم سازنده و امیدبخش و قرآنی و روایی آنها ندارد.

شفاعت در فرهنگ قرآن

در شفاعت به مفهوم قرآنی همه کوششها بر محور ایجاد تحول مطلوب فکری و فرهنگی و تربیتی در کسی است که در اندیشه شفاعت شدن است؛ از این رو می‌کوشد تا با رساندن خویش به نمونه‌ها و الگوهای کمال و جمال و با تجدیدنظر در باورها و اعمال خویش، خود را درخور بخشودگی و شفاعت سازد. شفاعت با این تفسیر و با این ویژگی، دیگر نه تنها هیچ یک از آن ره‌آوردهای ویرانگر و انحطاط‌آفرین را ندارد، که ره‌آوردهای مثبتی را نیز به ارمغان می‌آورد. به باور ما دیگر چنین شفاعتی نه تنها بر انگیزاننده روحیه نومیدی و تنبلی نیست، که برانگیزاننده روح امید و نشاط برای جبران و اصلاح و خودسازی است. دیگر نه تنها به

سوی قانون‌شکنی و بیداد تشویق نمی‌کند، که تشویق‌گری است به سوی ترک ستم‌کاری و بیداد و نقض حقوق بشر و در پیش گرفتن عدالت و رعایت حقوق دیگران. دیگر چنین شفاعتی نه تنها با پرستشهای ذلت‌بار انواع بتها و ارواح، سرآشتی ندارد، که اوج توحید‌گرایی و یکتاپرستی است، و همه دلها و جانها و اندیشه‌ها را به سوی خدا و یاری‌خواهی و توفیق‌طلبی از او و تقرب به سوی او توجه می‌دهد، و شفاعت‌گر و وسیله و واسطه فیض را - با آن شرایط و ویژگیهای قرآنی - چیزی بسان علل طبیعی و فراطبیعی، از سوی خدا می‌نگرد و بس. دیگر چنین شفاعتی نه تنها رنگ و بوی روابط استبدادی و اقتدار‌گرایانه و وصف و حال جامعه‌های عقب‌افتاده و دنباله‌ور را نمی‌پراکند، که یک شاهراه تربیتی و یک وسیله مؤثر برای اصلاح قانون‌شکنان و اصلاح‌ستیزان است.

مهم‌ترین اثر معجزه‌آسای شفاعت

دانش روان‌شناسی و علوم اجتماعی بیانگر آن است که قانون‌شکنان و مجرمان بزرگ، از یک سو به ناراحتی و عذاب وجدان گرفتار می‌گردند، و از دگر سو به بلای یأس و نومیدی از رحمت و بخشایش خدا و نجات از عذاب آخرت؛ در این صورت اگر همه راههای تجدید نظر و بازگشت و جبران و اصلاح و نجات به روی آنان بسته شود، و به آنان تفهیم شود که دیگر تربیت‌پذیری و تجدیدنظر و قانون‌گرایی و رعایت مقررات خدا و حقوق مردم برای آنان سودبخش نیست، آیا در آن صورت در عمل، آنان را به جنایات دهشتناک‌تری سوق نمی‌دهیم؟ و آیا برای آنان جز ادامه همان بی‌راهه، چاره‌ای می‌ماند؟ آیا حس انتقام‌جویی، آنان را از خانه و جامعه و نظامی، که ایمان، خود را قربانی آن می‌نگرند، تحریک نکرده و با این سبک، آنها را به کانون خطر و بحران و تباهی و خشونت تبدیل نساخته‌ایم؟ به باور خردمندان و روان‌شناسان چرا. درست به همین دلیل است که در نظامهای تربیتی و قانون‌گذاری دقیق علمی و دینی، برای خطرناک‌ترین مجرمان هم، روزنه امیدی برای تجدید نظر و بازگشت و اصلاح می‌گشایند. اصل شفاعت نیز مهم‌ترین اثر معجزه‌آسایش این است که با روح نومیدی و یأس به مبارزه بر می‌خیزد، و ایمان به آن، روزنه‌ای به سوی روشنایی و نجات و امید به آموزش و بخشایش می‌گشاید، تا فرد یا جامعه و حکومت، به تجدیدنظر و جبران و اصلاح بیندیشد و امکان و فرصت یابد تا به عنصر و جریانی سالم و سودمند راه گشاید و به کانون خطر و بحران تبدیل نگردد.

آخرین نکته

پیامبر و امامان راستین، به خواست و تدبیر حکیمانه خدا و لطف و مهر او، هم دارای آگاهی گسترده و دانش وصف‌ناپذیر از جهان، جهان آفرین، انسان، خویشتن، و راههای رشد و اوج، و علل سقوط و تیره‌روزی فرد و جامعه و فروپاشی قدرتها و مرتبط با عالم غیب و حقیقت جهان هستند، و هم به ادب و تربیت الهی آراسته‌اند که بر کششهای گوناگون دنیای وجود خویش امیر هستند، و دنیای جسم و جان خود را به خرد و وجدان و فطرت توحیدی و کششهای عالی و کمال طلب سپرده‌اند؛ به گونه‌ای که نه تنها به قانون‌شکنی و حق‌کشی و خودکامگی، دست نمی‌یازند، که در اندیشه و منطق و منش و عمل، به بی‌راهه و اشتباه نیز نمی‌روند و نمی‌برند؛ از این رو پیش از حکم خدا و مذهب، به حکم خرد و دانش و وجدان بشری، تعاون و هماهنگی با چنین کسانی لازم، و پیروی از آنان واجب است؛ با این وصف آنان تنها بندگان آگاه و فرمانبردار و پرمعنویت و پراخلاص خدا هستند. آنان خود تصریح می‌کنند که هر چه دارند، از آن خداست و هر کاری انجام می‌دهند در پرتو قدرت بی‌کران و با اذن و اجازه اوست و در خدمت راهیابی به رشد و شکوفایی بندگان خداست و بس. آنان از مقام شفاعت بهره‌ورند و قدرت انجام کارهای اعجاز‌آمیز بسیاری را دارند. می‌توانند بیماران را شفا دهند، نابینایان را بینا، و مردگان را زنده کنند و از گذشته و آینده، گزارشی درست و بی‌کم و کاست و برابر با حقیقت ارائه دهند، اما به خواست خدا و در پرتو قدرت او و به اذن او، نه مستقل از سرچشمه هستی؛ چنان

که پرستشگران ارواح، برای آنها می‌پندارند. «هنگامی را به یاد آور که فرشتگان گفتند: ای مریم! به یقین خدا تو را به کلمه‌ای از جانب خود نوید می‌دهد، که نام آن مسیح، عیسی بن مریم است. و او در این جهان و آن جهان، آبرومند و از مقربان بارگاه اوست؛ و در گاهواره و در میان‌سالی، در پرتو قدرت خدا و وحی الهی، با مردم سنجیده و فرزانه سخن می‌گوید، و از شایستگان بارگاه خداست. مریم با دریافت این نوید، شگفت‌زده و نگران گفت: پروردگارا، چه گونه برای من فرزندی خواهد بود، با اینکه هیچ بشری به من دست نزده است؟! فرشته نویدرسان گفت: کار خدا این چنین است؛ خدا هر چه بخواهد، می‌آفریند؛ و هنگامی که به کاری فرمان دهد، تنها به آن می‌گوید: باش! پس، بی‌درنگ موجود می‌شود. آن گاه فرشته نویدرسان افزود: خدا به فرزندت فرمان بعثت می‌دهد و به او کتاب و حکمت و تورات و انجیل می‌آموزد؛ و او را به عنوان پیامبری، به سوی فرزندان اسرائیل می‌فرستد که به آنان بگوید: من از جانب پروردگارتان برای شما نشانه و معجزه‌ای آورده‌ام: من برای شما از گل، پدیده‌ای بسان پرنده می‌سازم؛ آن گاه در آن می‌دمم؛ پس، به فرمان خدا پرنده‌ای می‌شود. همچنین من به اذن خدا، نابینای مادرزاد و گرفتار به بیماری پسی را بهبود می‌بخشم و مردگان را زنده می‌سازم؛ و از آنچه می‌خورید و آنچه در خانه‌هایتان ذخیره می‌سازید، به شما خبر می‌دهم. به یقین در این قدرت نمایی‌های شگرف - اگر ایمان داشته باشید - نشانه‌ای از قدرت خدا برای شما است. و نیز من در حالی به نزد شما آمده‌ام که تورات را که پیش روی من است؛ تصدیق می‌کنم؛ و آمده‌ام تا برخی از آنچه را - که بر شما حرام شده است - برایتان روا سازم؛ و من از جانب پروردگارتان برایتان نشانه‌ای بر راستگویی خود آورده‌ام؛ پس، ای فرزندان اسرائیل! از خدا پروا و از من اطاعت کنید. بی‌گمان، خدای یکتا، پروردگار من و پروردگار همه شماست؛ پس، تنها او را پرستید که راه راست این است و بس.» [۳۱]. با این بیان، هنگامی که ما با آموزشهای قرآن و عترت، به مفاهیمی چون شفاعت، توسل، قدرت و اختیارات و عملکرد پیامبر و امامان معصوم، می‌نگریم و می‌اندیشیم، دیگر نه تنها چنین مفاهیمی، موانع رشد و اوج و توحید و اخلاص نخواهند بود، و نه تنها نوعی از «آنیمیس» یا پرستش ارواح و یا قائل شدن قدرت عجیب و غریب برای ارواح انسانی در میان نیست، که هر کدام نوعی از حق‌گرایی و جلوه‌ای از جلوه‌های خداشناسی و توحیدگرایی خالص است؛ چرا که ما این شفاعت و توسل و شفاعت‌کننده و وسیله را، به دستور خدا، با اذن او، با شرایط مقرر از سوی او، در راه انجام دادن فرمان او، و برای رسیدن به خشنودی او می‌جوییم و بس.

پاورقی

- [۱] آنیمیس = واژه‌ای است فرانسوی، بدین معنا که هر پدیده طبیعی، نمودار نیرو و جانی غیبی است.
- [۲] اشاره به روایات درس آموزی نظیر روایت: «أَدْبِنِي رَبِّي فَأَحْسَنَ تَأْدِيبِي...» است، که نشانگر شکوفایی معنوی و والا-یی مقام پیشوایان معصوم و غیرقابل مقایسه بودن هیچ فردی، حتی از خوبان و فرزندگان جامعه‌ها و تمدنها با آن شایسته‌ترینها و وارسته‌ترینهای بارگاه خداست، که امیرمؤمنان در این مورد فرمود: «لَا يُقَاسُ بِأَلِ مُحَمَّدٍ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ أَحَدٌ، وَلَا يُسَوَّى بِهِمْ مَنْ جَزَتْ نِعْمَتُهُمْ عَلَيْهِ أَبَدًا؛ هُمْ أَسَاسُ الدِّينِ وَ عِمَادُ الْيَقِينِ إِلَيْهِمُ الْعَالِي وَ بِهِمْ يُلْحَقُ التَّالِي وَ لَهُمْ خَصَائِصُ حَقِّ الْوَلَايَةِ وَ فِيهِمُ الْوَصِيَّةُ وَ الْوَرَاثَةُ...»؛ «کسی از این امت را نمی‌توان با خاندان محمد - صلی الله علیه و آله وسلم - مقایسه نمود، و همپایه پنداشت؛ و هرگز کسانی را که پرورده نعمت آنها هستند، نمی‌توان با آنان برابر شمرد؛ چرا که خاندان محمد - صلی الله علیه و آله وسلم - پایه و اساس و گوهر دین راستین خدا هستند و ستون استوار یقین؛ از این رو هر کس در زندگی دستخوش تندروی گردد و از مرز عدالت بگذرد و به بی‌راهه رود، باید به سوی آنان بازگردد و هر کس با کندی و تفریط کاری از قافله رشد و رستگاری عقب بماند، باید برای نجات و سرفرازی، به آنان بپیوندد. حق مهندسی و مدیریت جامعه، ویژه آنان است، و سفارش و وصیت پیامبر و میراث او مخصوص آنان نه هیچ کس دیگر...» نهج البلاغه، خ ۳.

[۳] مفردات، ص ۲۷۰، واژه «شفع».

[۴] سوره بقره (۲) آیه ۴۸.

[۵] سوره زمر (۳۹) آیات ۴۳ و ۴۴.

[۶] سوره سجده (۳۲) آیه ۴.

[۷] سوره سبأ (۳۴) آیه ۲۳.

[۸] سوره بقره (۲) آیه ۲۵۵.

[۹] سوره زحرف (۴۳) آیه ۸۷.]

[۱۰] سوره انبیاء (۲۱) آیه ۲۸.

[۱۱] سوره مریم (۱۹) آیات ۸۵-۸۷.

[۱۲] سوره غافر (۴۰) آیه ۱۸.

[۱۳] چرا که قرآن به صراحت این مقام والای پیامبر را گوشزد می‌کند و می‌فرماید: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَلَا تُرِيدُوا أَنْ تَكْفُرُوا أَنْفُسَكُمْ بِمَا أَفْسَقْتُمْ فِي الْكُفْرِ وَالشِّرْكِ فَأَسْرِتُمْ أَنْفُسَكُمْ بِالْكَفْرِ وَالشِّرْكِ»؛ «و ما هیچ پیام‌آوری را نفرستادیم جز برای این که به فرمان خدا، مردم از او فرمانبرداری کنند؛ و اگر آنان هنگامی که بر خویشتن ستم نمودند، نزد تو می‌آمدند و از خدا آمرزش می‌خواستند و پیامبر نیز برای آنان آمرزش می‌خواست، بی‌گمان خدا را بسیار توبه‌پذیر و مهربان می‌یافتند.» سوره نساء (۴) آیه ۶۴ بدین سان آیه شریفه نشانگر آن است که در سایه دعا و آمرزش خواهی پیامبر برای گناهکاران و شفاعت آن حضرت از آنان، آنها مورد آمرزش قرار می‌گیرند.

[۱۴] سوره یوسف (۱۲) آیات ۹۸ و ۹۹.

[۱۵] سوره غافر (۴۰) آیه ۷.

[۱۶] برای نمونه، به این آیات روشنگر و هشدار دهنده بنگرید، که قرآن در گزارشی از آینده و سرای آخرت، ضمن تصریح به موضوع شفاعت، از مفهوم تحریف شده و تخدیری و عوامانه آن هشدار می‌دهد: «كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِيْنَةٌ - إِلَّا أَصْحَابَ الْيَمِيْنِ - فِي جَنّٰتٍ يَنْسَآءُلُوْنَ - عَنِ الْمُجْرِمِيْنَ - مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ - قَالُوْا لِمَ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّيْنَ - وَ لِمَ نَكُ نَطْعُمُ الْمَشْكِيْنَ - وَ كُنَّا نَحُوْضُ مَعَ الْخَائِضِيْنَ - وَ كُنَّا نَكْذِبُ يَوْمَ الدِّيْنِ - حَتّٰى اَنَّا الْيَقِيْنَ - فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفَاعَةُ الشّٰفِعِيْنَ»؛ «هر کس در گرو دستاورد خویش است، جز سعادت‌مندانی که با ایمان و عمل شایسته، خود را رهانیده‌اند. آنان در میان بوستانهای بهشت هستند، و از یکدیگر در مورد سرنوشت گناهکاران می‌پرسند؛ و به دوزخیان می‌گویند: چه چیز شما را در آتش شعله‌ور دوزخ درآورد؟ آنان می‌گویند: ما از نمازگزاران نبودیم؛ و بینوایان را غذا نمی‌دادیم، و با هرزه‌درایان هرزه‌درایی می‌نمودیم، و روز رستاخیز را دروغ می‌شمردیم، تا آن گاه که مرگ به سراغ ما آمد. از این رو شفاعت گران به حال آنان سودی نمی‌بخشد.» سوره مدثر (۷۴) آیات ۳۸-۴۸.

[۱۷] بحار، ج ۳، ص ۳۰۴ (چاپ قدیم).

[۱۸] «وَأَتَقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ»؛ «و از روزی پروا کنید که نه هیچ کس چیزی از کیفر گناهان را از کسی برطرف می‌سازد، نه شفاعتی از او پذیرفته می‌شود، نه از او بدل و جایگزینی می‌گیرند؛ و نه یاری خواهند شد.» سوره بقره (۲) آیه ۴۸.

[۱۹] ر.ک: سوره مدثر (۷۴) آیات ۳۸-۴۸.

[۲۰] ترجمه مجمع البیان، علی کرمی، ج ۱، ص ۲۳۷.

[۲۱] از امام کاظم از تفسیر این آیه پرسیدند که: چگونه برای کسانی که به گناهان بزرگ دست زده‌اند، شفاعت ممکن است؟ آن

حضرت فرمود: هر انسان با ایمان و درست‌اندیشی که خواسته یا ناخواسته به گناه آلوده شود، پس از آن مرحله که به خود آمد، به طور طبیعی از کار خود پشیمان می‌شود و به اندیشه بازگشت و توبه و جبران و اصلاح می‌افتد. آن گاه افزود: از پیامبر آورده‌اند که فرمود: ندامت و پشیمانی از آنچه پیش آمده، توبه و بازگشت به سوی خداست... روشن است که اگر کسی از کار زشت خود پشیمان نگردد، از ایمان واقعی بی‌بهره است و شفاعت برای چنین کسی نخواهد بود؛ چرا که کار او ستم و بیداد است، و خدا هم هشدار می‌دهد که: در روز قیامت، برای ستمکاران، نه خویشاوند دل‌سوزی خواهد بود، و نه شفاعتگری که از او فرمان برده شود و به کار آید؛ «مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ حَمِيمٍ وَلَا شَفِيعٍ يُطَاعُ» سوره غافر (۴۰) آیه ۱۸. ر.ک: تفسیر برهان، ج ۳، ص ۵۷.

[۲۲] سوره شعراء (۲۶) آیات ۱۰۰ - ۱۰۱.

[۲۳] ر.ک: فاطمه الزهراء من المهد الى اللحد، قزوینی، مکتبه بصیرتی، قم، ۱۴۱۴ ه.ق، ص ۵۴۸ - ۵۵۰.

[۲۴] سوره نساء (۴) آیه ۶۴.

[۲۵] سوره یوسف (۱۲) آیه ۹۷.

[۲۶] سوره یوسف (۱۲) آیه ۹۸.

[۲۷] سوره توبه (۹) آیه ۱۰۳.

[۲۸] در صورتی که پیروان «آنیمسم» یا پرستش‌گران ارواح انسانی، یا کسانی که قدرت عجیب و غریبی برای ارواح انسانی قائل هستند، از اساس چیزی جز این می‌پندارند. به بیان دیگر، قائل شدن قدرت عجیب برای ارواح انسانی، نه حقیقت خارجی دارد و نه دلیل و برهان خردپسند دینی، بلکه در درجه نخست، پنداری است ساخته و پرداخته ذهن خود آنان. افزون بر این، آنان این قدرت عجیب را برای ارواح انسانی قائل هستند، نه حتی برای ارواح مشخص و معلومی که به خاطر تقرب و نزدیکی معنوی به سرچشمه هستی، رنگ معنوی خدا را گرفته باشند و تنها خشنودی او را بجویند، و آن گاه به اذن و فرمان او، با شرایط و قیودی شفاعت کنند.

[۲۹] سوره مائده (۵) آیات ۳۵ - ۳۷.

[۳۰] فرائد السمطين، ج ۱، ص ۳۶.

[۳۱] سوره آل عمران (۳) آیات ۴۵ - ۵۱.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی) آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می‌دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره

الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲-۲۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱

۵۳-۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

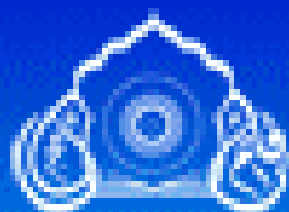
ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را ببدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

